

بلوغ عاطفی و سبک‌های هویت در دانشجویان

مهسا امیریگلوی داریانی^{۱*}، سمیه شعبانی^۲، پرستو نیمی‌جو^۳، سارا بهرام‌پور^۴، امین حسام سیف‌زرگرناج^۱

^۱دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی

^۲کارشناس ارشد روانشناسی

^۳کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

چکیده

بلوغ عاطفی نوعی از پختگی تعریف می‌شود که فرد به واسطه آن راه‌حل‌های پیچیده‌تری را جهت مقابله با مشکلات روزمره عاطفی اتخاذ می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین بلوغ عاطفی با سبک‌های هویت در دانشجویان بود. تعداد ۲۰۰ نفر از دانشجویان روانشناسی دانشگاه آزاد رودهن به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به دو پرسشنامه سبک‌های هویت و بلوغ عاطفی پاسخ دادند. نتایج نشان داد بین نمره کل بلوغ عاطفی با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. سبک هویت اطلاعاتی با هر پنج مؤلفه بلوغ عاطفی، و سبک هویت هنجاری با چهار مؤلفه عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، ناسازگاری اجتماعی، و فروپاشی شخصیت رابطه معکوس و معنادار داشت. سبک هویت سردرگم/اجتنابی با مؤلفه بازگشت عاطفی رابطه معکوس و معنادار و با مؤلفه‌های ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال رابطه مستقیم و معنادار داشت و رابطه سبک تعهد تنها با مؤلفه فروپاشی شخصیت به صورت معکوس معنادار بود. مؤلفه‌های فروپاشی شخصیت و عدم ثبات عاطفی توانست سبک هویت اطلاعاتی را پیش‌بینی کند و سه مؤلفه بازگشت عاطفی، ناسازگاری اجتماعی، و فقدان استقلال تغییرات سبک هویت هنجاری و تغییرات سبک هویت سردرگم/اجتنابی را تبیین کردند، مؤلفه فروپاشی شخصیت نیز توانست تغییرات سبک تعهد را پیش‌بینی کند. بین دو سبک سازگاران اطلاعاتی و هنجاری، رابطه معناداری با میزان بلوغ عاطفی وجود دارد و می‌توان پیش‌بینی‌هایی بر اساس مؤلفه‌های بلوغ عاطفی در خصوص هر یک از سبک‌های هویتی انجام داد.

کلید واژه‌ها: بلوغ عاطفی؛ سبک‌های هویت؛ دانشجو

مقدمه

افراد در دوره نوجوانی با سوالاتی چون "من کیستم؟"، "در جامعه چه جایگاهی دارم؟" و "از زندگی چه می‌خواهم؟" روبرو هستند. سوالاتی که پاسخ‌شان نقش مهمی در سلامت انسان دارد (اکبری، ۱۳۸۷). اریکسون، طلیعه‌دار مفهوم هویت، اصلی‌ترین تکلیف دوره نوجوانی را هویت‌یابی مطرح کرد و معتقد بود که تجربه‌های این مرحله از رشد، به طور مستقیم زندگی بزرگسالی را متأثر می‌سازند (موسوی و روشن، ۲۰۱۰). به زعم هویت سازماندهی پویا و خودساخته از برانگیزنده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه شخصی است که به صورت یک خود یکپارچه و مستقل، هدایت‌کننده مسیر در حال رشد زندگی فرد است (اریکسون، ۱۳۸۶). در مقابل مفاهیم نظری اریکسون، ماریسا، با اتخاذ یک دیدگاه عملیاتی برای تعریف هویت در یک محیط اجتماعی معمولی بر جنبه‌های ساختاری هویت (وضعیت‌های هویت) تأکید کرد و افراد را براساس ترکیب دو بعد کاوش و تعهد در یکی از وضعیت‌های چهارگانه قرار داد. از ترکیب این دو بعد، چهار وضعیت هویتی کسب هویت (اکتشاف و تعهد بالا)، هویت پیش‌رس (اکتشاف پایین و تعهد بالا)، هویت معوق (اکتشاف بالا و تعهد پایین) و هویت نامتمایز (اکتشاف و تعهد پایین) پدید می‌آید.

جستجوی فعالانه، ارزیابی اطلاعات، وظیفه‌شناسی، مسئله‌مداری، کاوش نقش‌ها و به ویژه انگیزه پیشرفت از خصوصیات برجسته افراد برخوردار از سبک اطلاعاتی است (برزونسکی و همکاران، ۱۹۹۹). افراد دارای سبک هویت هنجاری عموماً عقاید دیگران را بدون ارزیابی می‌پذیرند و در برابر موقعیت‌های تازه انعطاف‌پذیری پایین و رفتارهای کلیشه‌ای نشان می‌دهند. ویژگی‌هایی چون لذت‌طلبی، مقابله با مشکلات به شیوه هیجان-مدار، اتکا به منابع بیرونی، تعلل‌ورزی، تلاش جهت طفره رفتن از تعارض‌های هویتی و موقعیت‌های تصمیم‌گیری و استفاده از راهبردهای نامناسب تصمیم‌گیری مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل‌تراشی از خصوصیات سبک هویت سردرگم اجتنابی است (برزونسکی، ۲۰۰۴). افراد برخوردار از سبک اطلاعاتی در مقابل سبک سردرگم/اجتنابی مطمئناً در رویارویی با فشار روانی به ابزارهایی مجهز هستند که کارآمدترین آن‌ها روابط اجتماعی مناسب با دیگران، برخورداری از محیطی سالم و برانگیزاننده است. اگر افراد از دوره‌های پایانی کودکی و اوایل نوجوانی به این ابزار مجهز شوند می‌توانند راه‌حل‌های مناسبی برای مشکلات بیابند و استرس خود را کاهش دهند. اما آنچه که روابط میان فردی را بهبود می‌بخشد و موجب کارآمدی آنها می‌شود برخورداری از بلوغ عاطفی است (رحیمی، ۱۳۸۷؛ به نقل از عصار و همکاران، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری توانمندی بالایی در ابراز صریحانه عواطف دارند. در این دسته از افراد، بلوغ عاطفی است که مؤلفه‌های سودمند و حیاتی برای بروز پاسخ‌های سازگارانه و انطباقی در موقعیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

به طور کلی بلوغ عاطفی نوعی از پختگی تعریف می‌شود که فرد به واسطه آن راه‌حل‌های پیچیده‌تری را جهت مقابله با مشکلات روزمره عاطفی اتخاذ می‌کند. برجسته‌ترین علامت بلوغ عاطفی توانایی تحمل تنش است. البته بی‌تفاوتی به برخی از انواع محرک‌ها که بر فرد اثر می‌گذارند و او را دستخوش احساسات می‌نمایند، علامت دیگری از بلوغ عاطفی است (کول و ریم، ۱۹۹۴). فردی که به لحاظ عاطفی بالغ است این قابلیت را دارد که نوسانات شدید و احساسات خود را کنترل کند. وی تمامی عواطف و احساسات خود را به درستی شناخته و نحوه ابراز صحیح و مهار آن‌ها را می‌داند، از ظرفیت شادی و تفریح برخوردار است، قابلیت پذیرش نگرش و رفتار دیگران را دارد و قادر به تأخیر پاسخ‌های خود نیز است (حافظ آبادی و بافتی، ۱۳۸۶). در پژوهشی در خصوص رابطه سبک‌های هویت و بلوغ عاطفی در معادین نشان داده شد که بلوغ عاطفی

* e-mail: m_a_daryani@yahoo.com

بالا از آن افراد برخوردار از دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری است (فورنهام، ۱۳۹۲). این در حالی است که افراد دارای سبک هویت سردگمی اجتنابی بلوغ کمتر عاطفی را تجربه می‌کنند. یافته‌های پژوهش یآوری (۱۳۹۲) بیانگر این است که همبستگی منفی و معناداری بین تمامی ابعاد بلوغ عاطفی و دو هویت اطلاعاتی و هنجاری دیده می‌شود. لیکن این رابطه در خصوص رابطه میان هویت سردرگم/اجتنابی با ابعاد بلوغ عاطفی معنادار نبوده است. نتایج تحقیق دیگری دال بر این است که دانشجویان با سبک اطلاعاتی نسبت به دانشجویان با رویکردهای هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری می‌گیرند (بزونسکی و کالک، ۲۰۰۰؛ به نقل از یآوری، ۱۳۹۲).

با توجه به تاکید جامعه ایران بر نقش محوری جوانان به ویژه دانشجویان و فرهیختگان در آینده‌سازی کشور و تمرکز بر ارتقا صلاحیت آنان در پیشبرد آینده‌ای روشن که همگی تحت وضعیت روان‌شناختی مطلوب به شیوه بالغانه صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌هایی در مورد مسایل بنیادی و روان‌شناختی مانند هویت حائز اهمیت است، چراکه از این رهگذر می‌توان به فراهم ساختن تمهیداتی برای ارتقا سطح پختگی جوانان و بهبود وضعیت هویتی آنان اندیشیده شود و سپس راهکارهای مناسب جهت ارتقا سطوح روان‌شناختی آنان ارائه شود. لذا فرضیه‌ی مورد بررسی در این پژوهش این بود که سازگارانۀ ترین سبک برای اداره موقعیت‌های روزانه، که همان سبک هویت اطلاعاتی است، از بالاترین سطح بلوغ عاطفی برخوردار هستند.

روش

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بوده که از این میان، ۲۰۰ نفر (۱۵۵ زن و ۴۵ مرد) به روش نمونه در دسترس و به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۶ سال با انحراف استاندارد ۶/۰۲ بود. طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است.

ابزار

مقیاس بلوغ عاطفی یاشویر سینک و بهارگاوا (*EMS*): این مقیاس که در سال ۱۹۷۴ ساخته شده، یک مقیاس خودگزارش دهی پنج گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالاً و هرگز)، دارای ۴۸ سؤال و پنج عامل عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، ناسازگاری اجتماعی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال است. روایی این مقیاس با پرسشنامه سازگاری حوزه «گها» توسط سینک و سنک تعیین شده است. اعتبار مقیاس با محاسبه ضرایب همسانی درونی از ۰/۸۶ برای عامل فروپاشی شخصیت تا ۰/۴۲ برای عامل فقدان استقلال متغیر بوده است (یآوری، ۱۳۹۲).

پرسشنامه سبک‌های هویت (*ISI*): برزونسکی این پرسشنامه را در سال ۱۹۸۹ در قالب ۴۰ گویه که در مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم قرار دارد و چهار سبک هویت اطلاعاتی، هویت سردرگم/اجتنابی، هویت هنجاری و تعهد را می‌سنجد، طراحی کرده است. برزونسکی (۲۰۰۳) در آخرین نسخه تجدیدنظرشده‌ی خود اعتبار هر یک از خرده مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است. روایی پرسشنامه توسط وایت، وامپلر و وین (۱۹۹۸) با روش تحلیل عاملی تأیید شده است.

شیوه‌ی اجرا

پرسشنامه‌ها بین دانشجویان داوطلب، توزیع و از آن‌ها خواسته شد که همه‌ی آیت‌ها را مطالعه کنند و به‌دقت پاسخ دهند. همچنین پژوهشگر متذکر شد که نیازی به ذکر نام نیست. ضمناً هیچ‌گونه محدودیت زمانی برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها اعمال نشد و به آزمودنی‌ها نیز در مورد هدف تحقیق توضیح مختصری داده شد.

نتایج

برای بدست آوردن میزان رابطه بین متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی‌های متقابل سبک‌های هویت، مؤلفه‌های بلوغ عاطفی، و نمره کل بلوغ عاطفی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی‌های متقابل سبک‌های هویتی و بلوغ عاطفی

	SD	M	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. سبک اطلاعاتی	۵/۹۲	۳۸/۱۸	-									
۲. سبک هنجاری	۵/۰۶	۳۰/۲۰	۰/۳۹**	-								
۳. سبک سردرگم/اجتنابی	۵/۷۷	۲۵/۱۴	۰/۰۱	۰/۱۰	-							
۴. تعهد	۳/۴۸	۳۰/۲۸	۰/۲۷**	۰/۱۷*	۰/۱۴	-						
۵. عدم ثبات عاطفی	۶/۳۱	۲۳/۶۰	۰/۳۴**	۰/۲۸**	۰/۰۶	۰/۰۲	-					

	SD	M	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۶. بازگشت عاطفی	۶/۴۱	۲۱/۳۹	-۰/۳۰**	-۰/۳۴**	-۰/۱۸*	-۰/۱۰	-۰/۶۵**	-				
۷. ناسازگاری اجتماعی	۴/۵۶	۲۰/۷۵	-۰/۳۰**	-۰/۲۱**	-۰/۱۸*	-۰/۱۴	-۰/۴۵**	-۰/۲۷**	-			
۸. فروپاشی شخصیت	۵/۹۲	۱۸/۶۳	-۰/۳۹**	-۰/۲۸**	-۰/۰۸	-۰/۱۹**	-۰/۵۷**	-۰/۶۷**	-۰/۴۶**	-		
۹. فقدان استقلال	۴/۵۳	۱۹/۹۳	-۰/۱۵*	-۰/۰۲	-۰/۲۵**	-۰/۰۱	-۰/۳۹**	-۰/۳۶**	-۰/۴۰**	-۰/۴۵**	-	
۱۰. نمره کل بلوغ عاطفی	۲۱/۴۳	۱۰۴/۲۸	-۰/۴۰**	-۰/۳۰**	-۰/۰۳	-۰/۱۱	-۰/۸۲**	-۰/۸۳**	-۰/۶۷**	-۰/۸۳**	-۰/۶۴**	-

$P < 0.01$ * $p < 0.05$ **

همبستگی‌های متقابل مؤلفه‌های بلوغ عاطفی در جدول ۱ نشان می‌دهد که هیچ یک از این همبستگی‌ها بالاتر از ۰/۷ نیست، در نتیجه بین متغیرهای پیش‌بین هم خطی چندگانه وجود ندارد و می‌توان به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه اعتماد کرد. همچنین بررسی مقادیر فاصله مهلاوبیس نشان داد که مقادیر پرت چندمتغیری وجود ندارد. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک هویت اطلاعاتی نشان داد از پنج مؤلفه بلوغ عاطفی تنها دو مؤلفه فروپاشی شخصیت و عدم ثبات عاطفی توانایی پیش‌بینی معنادار سبک هویت اطلاعاتی را دارند. ترکیب خطی این دو مؤلفه توانست در مجموع ۱۷ درصد واریانس سبک هویت اطلاعاتی را تبیین کند. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی سبک هویت هنجاری نشان داد ترکیب خطی سه مؤلفه بازگشت عاطفی، فقدان استقلال، و ناسازگاری اجتماعی در مجموع ۱۶ درصد تغییرات سبک هویت هنجاری را پیش‌بینی می‌کند. نتایج برای سبک هویت سردرگم/اجتنابی نشان داد ترکیب خطی سه مؤلفه فقدان استقلال، بازگشت عاطفی، و ناسازگاری اجتماعی در مجموع می‌تواند ۱۸ درصد تغییرات سبک هویت سردرگم/اجتنابی را پیش‌بینی کند. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک تعهد نشان داد تنها مؤلفه فروپاشی شخصیت می‌تواند ۴ درصد از تغییرات سبک تعهد را به گونه معنادار پیش‌بینی کند. نتایج مقایسه میانگین‌های زنان و مردان در چهار سبک هویت با استفاده از آزمون t نشان داد تنها تفاوت در سبک هویت هنجاری ($t = 1/96$) در سطح ۰/۰۵ از لحاظ آماری معنادار است. میانگین نمره‌های خام دانشجویان دختر در سبک هنجاری ($M = 30/63$) بالاتر از میانگین نمره‌های خام دانشجویان پسر ($M = 29/07$) بود.

بحث

این پژوهش با هدف شناخت رابطه سبک‌های هویتی و بلوغ عاطفی و همچنین پیش‌بینی هریک از سبک‌های هویت برپایه مؤلفه‌های بلوغ عاطفی انجام شد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره کل بلوغ عاطفی با دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معکوس و معنادار داشته و با دو سبک هویت دیگر یعنی هویت سردرگم/اجتنابی و تعهد رابطه معنادار ندارد این یافته با نتایج پژوهش فورنهام (۲۰۱۲، نقل از یوری، ۱۳۹۲) همسوست. پژوهش یوری (۱۳۹۲) نیز نشان داده که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری دارای توانایی بالایی در ابراز صریح عواطف خود هستند و افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی عادت دارند پیام‌های عاطفی مبهم و گیج کننده به طرف مقابل خود بدهند. از سوی دیگر بلوغ عاطفی با سبک هویت سردرگم رابطه معنادار ندارد زیرا بر اساس دیدگاه کامینسکی (۲۰۰۲، به نقل از ولیوراس، ۲۰۰۵) این افراد نمی‌توانند واکنش‌های عاطفی را تجربه کنند، که به دلیل وجود آسیب در لوب پیشانی مغز آنان است و همچنین تصمیم‌های اجتماعی آسیب زایی اتخاذ می‌کنند و دارای روابط اجتماعی رنج‌آور و مشکل‌زایی هستند، حتی اگر توانایی‌های شناختی آنان سالم باقی مانده باشد.

مؤلفه عدم ثبات عاطفی با دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معکوس و معنادار داشت، و رابطه این مؤلفه با سایر سبک‌های هویت معنادار نبود. همچنین رابطه مؤلفه بازگشت عاطفی با سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، و اجتنابی معکوس و معنادار بود. و مؤلفه ناسازگاری اجتماعی با دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معکوس و معنادار و با سبک سردرگم/اجتنابی رابطه مستقیم و معنادار داشت. مؤلفه فروپاشی شخصیت با سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد رابطه معکوس و معنادار نشان داد. رابطه مؤلفه فقدان استقلال با سبک هویت اطلاعاتی معکوس و معنادار و با سبک هویت اجتنابی مستقیم و معنادار بود. که نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعه‌ی فورنهام (۲۰۱۲) همسو است.

در زمینه پیش‌بینی پذیری سبک‌های هویتی برپایه مؤلفه‌های بلوغ عاطفی آزمون آماری رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که مؤلفه‌های فروپاشی شخصیت و عدم ثبات عاطفی ۱۷ درصد تغییرات سبک هویت اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند، بدین ترتیب که کاهش مؤلفه‌های فروپاشی شخصیت و عدم ثبات عاطفی با افزایش سبک هویت اطلاعاتی همراه است.

در رابطه با سبک هویت هنجاری نتایج نشان داد که ترکیب خطی سه مؤلفه بازگشت عاطفی، فقدان استقلال، و ناسازگاری اجتماعی در مجموع ۱۶ درصد تغییرات سبک هویت هنجاری را تبیین می‌کند و کاهش مؤلفه‌های بازگشت عاطفی و ناسازگاری اجتماعی با افزایش سبک هویت هنجاری و افزایش مؤلفه فقدان استقلال با افزایش سبک هویت هنجاری همراه است. در زمینه فقدان استقلال، چنانکه برزونسکی (۲۰۰۴) اظهار می‌کند سبک هویت هنجاری اگرچه با هویت موفق رابطه دارد، اما افراد هنجاری وقتی با تصمیمات مهم رو به رو می‌شوند، به جستجوی مشورت با منابع قدرت و افراد مهم دیگر می‌پردازند که اغلب اوقات این اشخاص دارای قدرت، همان کسانی هستند که فرد هنجاری خودپنداره‌اش را بر مبنای استانداردهای آنها استوار کرده است

بر پایه نتایج بدست آمده ۱۸ درصد تغییرات سبک هویت سردرگم/اجتنابی توسط ترکیب خطی سه مؤلفه فقدان استقلال، بازگشت عاطفی، و ناسازگاری اجتماعی تبیین می‌شود، بدین ترتیب که کاهش مؤلفه بازگشت عاطفی با افزایش سبک هویت سردرگم/اجتنابی و افزایش مؤلفه‌های فقدان استقلال و ناسازگاری اجتماعی با افزایش سبک هویت سردرگم/اجتنابی همراه بود.

در زمینه سبک تعهد هویت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تنها مؤلفه فروپاشی شخصیت می‌تواند درصد کمی (۴ درصد) از تغییرات سبک تعهد هویت را تبیین کند، به عبارتی افزایش فروپاشی شخصیت با کاهش در سبک هویت تعهد همراه است.

از یافته‌های جانبی این پژوهش، مقایسه دختران و پسران در سبک‌های هویت بود. نتایج نشان داد که تنها در سبک هویت هنجاری در سطح ۰/۰۵ بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد، بدین ترتیب که میانگین نمره‌های دانشجویان دختر در سبک هویت هنجاری از میانگین نمره‌های دانشجویان پسر بالاتر بود. در سایر سبک‌های هویت تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشد. یافته‌های واترمن (واترمن، ۱۹۹۹) بیان می‌کند که مردان و زنان در سطح دانشگاه و دبیرستان از الگوهای مشابه کل‌گیری هویت استفاده می‌کنند و تفاوتی بین دو جنس از این لحاظ وجود ندارد. البته باید توجه داشت که چون تفاوت بین حجم نمونه زنان ($N=154$) و مردان ($N=55$) زیاد است، بنابراین در تفسیر نتایج این آزمون باید جانب احتیاط را نگه داشت.

در تممیم و تفسیر یافته‌های این پژوهش باید توجه داشت که محدود بودن نمونه به دانشجویان دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد رودهن، تممیم یافته‌ها را به سایر افراد محدود می‌سازد، در نتیجه به منظور ایجاد زمینه تممیم‌پذیری یافته‌ها، لازم است پژوهش بر روی نمونه‌های مختلف انجام شود تا قابلیت تممیم‌پذیری آن را افزایش دهد. همچنین منابع محدود در زمینه بلوغ عاطفی از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش تنها به نقش مؤلفه‌های بلوغ عاطفی در سبک‌های هویت پرداخته است، و سایر متغیرهای واسطه‌ای یا تأثیرگذار را مورد سنجش قرار نداده است، از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای دست یافتن به یافته‌های معتبرتر، ارتباط سایر متغیرها مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- اکبری، ب. (۱۳۸۷). بحران هویت و هویت دینی. *بیک نور-علوم انسانی*، ۶(۴)، ۲۱۹-۲۳۱.
- حافظ‌آبادی، ف. و بافتی، ف. (۱۳۸۶). *تفاوت بلوغ عاطفی دانشجوین خاتم مجرد و متاهل ۳۰-۱۸ ساله*. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- دانشورپور، ز.، تاجیک اسمعیلی، ع.، شهرآرای، م.، فرزاد، و.، و شکری، ا. (۱۳۸۶). نقش تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳(۴)، ۳۹۳-۴۰۴.
- عصار، م.، تقی پور، ا.، و حیدری، م. (۱۳۹۱). رابطه بی‌حوصلگی با بلوغ عاطفی و محیط کلاس و مدرسه. *پژوهش‌های مشاوره*، ۴۴(۱۱)، ۱۴۷-۱۷۷.
- یاوری، علی (۱۳۹۲). *بررسی رابطه سبک‌های هویت و بلوغ عاطفی با سازگاری اجتماعی معنادار مرد تحت درمان نگهدارنده متادون مراکز شهر بجنورد*. پایان نامه منتشر شده کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی قوچان.
- Berzonsky, M. D. (2003). The structure of identity: Commentary on Jane Kroger's view of identity status transition. *An International Journal of Theory and Research*, 3, 231-245.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, selfconstruction, and personal epistemic assumptions: A socialcognitive perspective. *Euro J DevPsychol*, 4(1), 303-15.
- Berzonsky, M., Nurmi J., & Kinney A. (1999). Identity processing style and cognitive attributional strategies: simalaies and difference across different context, *Journal of European Personality*, 3, 105- 120.
- Cole, D. A., &Rehm, L. P. (1994). Family interaction patterns and childhood depression. *J Abnormal Child Psychol*, 14, 297- 314.
- Luyckx, K., Soenens, B., Berzonsky, M. D., Smits, I., Goossens, L., & Vansteenkiste, M. (2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation, and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Journal of personality and Individual Differences*, 43, 1099-1111.
- Mousavi, R., & Roshan, R. (2010). Investigating different aspects of identity among the students of Tehran Universities: The role of sex differences. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1884- 1889.
- Vleioras, G. & Bosma, H. (2005). Are identity styles important for psychological well-being?.. *Journal of Adolescence*, 28, 397- 409.
- Waterman, A. S. (1999). Issues of identity formation revisited: United States and The Netherlands. *Developmental Review*, 19(4), 462- 479.
- White. J. M., Wampler, R. S., & Winn, I. K. (1998). The Identity Style Inventory: A Revision with a Sixth – Grade Reading Level. *Journal of Adolescent Research*, 13, 2, 223- 245.